

جان بلامی فاستر و رابرت مک چسنی

بحران بی پایان

چگونه سرمایه‌ی مالی - انحصاری جهان را
از امریکا تا چین به رکود و آشوب می‌کشاند

ترجمه‌ی

خسرو کلانتری



فهرست

۷	پیش‌گفتار مترجم
۹	مقدمه
۵۳	فصل یکم: سرمایه‌ی مالی - انحصاری و بحران
۸۳	فصل دوم: مالی‌گرایی انباشت
۱۰۷	فصل سوم: انحصار و رقابت در قرن بیست و یکم
۱۶۳	فصل چهارم: بین‌المللی شدن سرمایه‌ی انحصاری
۱۹۵	فصل پنجم: ارتش جهانی ذخیره‌ی کار و امپریالیسم نو
۲۴۱	فصل ششم: رکود بزرگ و چین
۲۸۵	یادداشت‌ها

پیش‌گفتار مترجم

فصل‌های گوناگون این کتاب که نخست به صورت مقاله‌هایی مستقل در مجله‌ی *مانتلی ریویو*^۱، از اکتبر ۲۰۰۹ تا فوریه‌ی ۲۰۱۲، در تحلیل بحران مالی جهانی منتشر شد، سعی در نشان دادن دقیق تبیینی تاریخی از تکامل سرمایه‌داری جهانی، از تکوین انحصارهای چندقطبی تا ابعاد مختلف بحران کنونی اقتصاد جهانی، از کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته تا اقتصادهای نوظهور و به‌ویژه سرمایه‌داری دولتی در چین، را دارند.

تقابل سرمایه‌داری مولد و سرمایه‌داری مالی، و نقشی که نوع اخیر در شکل‌گیری بحران جهانی کنونی داشته، به‌دقت در کتاب حاضر نشان داده شده است. همچنین کتاب حاکمیت سرمایه‌ی مالی-انحصاری در اقتصاد کنونی جهانی را به‌خوبی و به شکلی مستند ارائه داده و در عین حال، نقد نافذی از دیدگاه‌های نولیبرالی و جریان غالب در علم اقتصاد عرضه می‌کند.

از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا امروز، انحصارات اقتصادی به‌دنبال کاهش سودآوری سرمایه‌گذاری در تولید، به سوداگری مالی روی آورده‌اند. ایجاد روبنای عظیم مالی استوار بر زیربنای درگیر رکود ممتد به حباب‌های مالی متعددی انجامیده که ترکیدن یکی ترکیدن سلسله‌وار

دیگر حساب‌ها را به دنبال داشته است؛ بدین سان، نتیجه‌ی ترکیب آن‌ها را در بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۹ تجربه کردیم و شاهد بودیم که تنها کمک‌های تریلیون دلاری دولت‌های سرمایه‌داری — به هزینه‌ی مردم — بود که مؤسسات ورشکسته را از انهدام نجات داد.

انحصارهای چندملیتی، تحت نظام تجارت آزاد — که حرکت سرمایه را آزاد ولی به انحای مختلف بر سر حرکت نیروی کار سدها و موانعی ایجاد کرده است — در جست‌وجوی سرمایه‌گذاری سودآور، به صدور سرمایه به کشورهای جنوبی جهان پرداختند، تا ضمن اجتناب از قوانین کار، یعنی دست‌آورد سالیان مبارزه‌ی کارگری در کشورهای شمالی جهان، کارگران جنوبی جهان را در غیرانسانی‌ترین شرایط کار مورد بهره‌کشی قرار دهند. اما جهانی‌سازی کنونی و نظام سلطه‌ی کشورهای کانون نظام سرمایه‌داری بر کشورهای نیمه‌پیرامونی و پیرامونی، تنها بحران ممتد اقتصادهای پیشرفته را در سطح جهانی گسترش می‌دهد.

این ترجمه توسط آقای پرویز صداقت با دقت مرور و با متن انگلیسی مقابله شده است. تصحیحات و پیشنهادهای ایشان همواره، به‌ویژه در مورد واژه‌های اقتصادی، در بهبود متن تأثیر بسیار داشته است. از ویراستاری دقیق ایشان بسیار سپاس‌گزارم، اما کمبودها متوجه مترجم است.

خ.ک.

مقدمه

ما [در انگلستان] از ۱۸۷۶ به این سو در کلیه‌ی شاخه‌های عمده‌ی صنعت در وضعیت رکود ممتد^۱ قرار داشته‌ایم. نه سقوط کامل فرا می‌رسد و نه شکوفایی مطلوبی که قبل و بعد از رکود خود را مستحق آن می‌دانستیم. رکودی کسالت‌بار، اشباع مزمن همه‌ی بازارهای همه‌ی کسب‌وکارها، این است وضعیتی که برای نزدیک به ده سال در آن زندگی کرده‌ایم. چرا چنین است؟

فردریک انگلس [۱]

«بحران مالی بزرگ»^۲ و «کساد بزرگ»^۳ در ایالات متحد در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، و به‌زودی در سراسر جهان گسترش یافت، و نشان‌گر چیزی شدند که هم‌چون نقطه‌ی عطفی در تاریخ جهان است. اگرچه این وضعیت به فاصله‌ی دو سال مرحله‌ی بهبود را در پی داشت، ولی اکنون، پنج سال پس از آغاز آن، اقتصاد جهانی هنوز در حال کساد است. ایالات متحد، اروپا و ژاپن پس از آغاز بحران در بند شرایط رشد کند، بیکاری شدید، و ناپایداری مالی قرار دارند، همراه با پیدایش همیشگی لرزه‌های اقتصادی و پیامدهایی که به سرعت در سرتاسر جهان گسترش می‌یابند. نقطه‌ی

1. stagnation 2. the Great Financial Crisis
3. the Great Recession